

تأثیر ساختار بدهی بر محافظه کاری شرطی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سعید جبارزاده کنگرلویی¹ / محمد نورزاد دولت آبادی² / سمیه فیضی³

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر ساختار بدهی بر محافظه کاری شرطی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای اندازه‌گیری ساختار بدهی از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارائی‌ها و نسبت بدهی بلندمدت به کل بدهی‌ها و برای اندازه‌گیری محافظه کاری شرطی از سه مدل ا. مدل مبتنی بر رابطه سود و بازده باسو (Basu, 1997) 2. مدل مبتنی بر تغییرات سود باسو (Basu, 1997) و 3. مدل مبتنی بر رابطه اقلام تعهدی و جریان نقد عملیاتی بال و شیواکومار (Ball, et al., 2005) استفاده شده است. در این پژوهش، تعداد 81 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی 1381-1387 به عنوان نمونه آماری انتخاب و با استفاده از مدل‌های رگرسیون خطی چند متغیره تجمعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس نتایج فرضیه اول پژوهش، نسبت کل بدهی‌ها به کل دارائی‌ها بر محافظه کاری شرطی در مدل مبتنی بر رابطه سود و بازده، تأثیر مثبت، در مدل مبتنی بر تغییرات سود، بی‌تأثیر و در مدل مبتنی بر رابطه اقلام تعهدی و جریان نقد عملیاتی تأثیر منفی دارد. هم‌چنین یافته‌های پژوهش در مورد فرضیه دوم حاکی از عدم تأثیر نسبت بدهی بلندمدت بر کل بدهی‌ها بر محافظه کاری شرطی در هر سه مدل یاد شده دارد که این امر نشان‌دهنده عدم تأثیرگذاری ویژگی مربوط به سررسید بدهی‌ها بر محافظه کاری شرطی می‌باشد.

واژگان کلیدی: ساختار بدهی، محافظه کاری شرطی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41 , N14.

1. استادیار حسابداری و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

2. استادیار حسابداری و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

3. کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

مقدمه

در دنیای امروز با توجه به گسترش بازارهای سرمایه و افزایش میزان سرمایه‌گذاری، یکی از مسائل مهم مطرح، کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده توسط شرکت‌ها می‌باشد. هر چه قدر کیفیت اطلاعات بالاتر باشد، تصمیمات صحیح گرفته شده و نهایتاً باعث تخصیص مناسب منابع مالی و افزایش رفاه خواهد شد. در ارائه اطلاعات مالی همواره باید این مسئله را مد نظر داشت که، تحمل زیان آتی در اثر تخمینی بیش از حد خوش بینانه نسبت به از دست دادن فرصت کسب سود ناشی از ارزش‌گذاری بیش از حد بدبینانه، جدی‌تر است و بنابراین رعایت احتیاط و محافظه‌کاری در ارائه اطلاعات مالی برای حفظ منافع سرمایه‌گذاران امری ضروری به نظر می‌رسد. یکی از گروه‌های سرمایه‌گذار در شرکت‌ها، اعتباردهندگان می‌باشند. آنها بازدهی نامتقارن در ارتباط با خالص دارایی‌ها دارند؛ وقتی ارزش خالص دارایی‌ها بالاتر از ارزش اسمی بدهی‌ها باشد، صاحبان بدهی هیچ پاداش اضافی را دریافت نخواهند کرد، صرف نظر از اینکه این اضافه ارزش چقدر باشد. اما زمانی که خالص دارایی‌ها کمتر از ارزش اسمی بدهی‌ها باشد، آنها تنها خالص دارایی‌ها را دریافت می‌کنند. بنابراین صاحبان بدهی درباره ارزش‌های کمتر خالص دارایی‌ها نسبت به ارزش‌های مازاد نگرانی بیشتری دارند. ارزش‌های بیشتر شرکت و خالص دارایی‌ها عموماً غیر قابل تأیید هستند و آنها خواستار گزارش حداقل مقدار خالص دارایی‌های شرکت هستند که این امر با استفاده از شناسایی سریعتر زیان‌ها نسبت سودها (محافظه‌کاری) امکان‌پذیر است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

طبق بیانیه مفاهیم شماره 2 هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا (FASB, 1980). محافظه‌کاری به معنای «نشان دادن واکنش محتاطانه به وجود ابهام به منظور ایجاد اطمینان خاطر از اینکه ابهام و خطرات احتمالی همراه با آن در حد کافی مورد توجه واقع شده‌اند» می‌باشد. این هیئت محافظه‌کاری را جزء ویژگی‌های کیفی طبقه‌بندی نکرده است، در حالی که در بند 18 فصل دوم مفاهیم نظری گزارش‌گری مالی ایران، محافظه‌کاری به عنوان یک زیر ویژگی کیفی برای قابلیت اتکاء این گونه تعریف شده است: احتیاط عبارت است از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است، به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود (مهرانی و همکاران، 1388).

اخیراً مفهوم کلی محافظه‌کاری را به دو زیر مفهوم، محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی در تحقیقات بیور و همکاران (Beaver, et al., 2005) و بال و همکاران (Ball, et al., 2005) و برخی مطالعات مثل پوپ و همکاران (Pope, et al., 2003) این دو گروه را به ترتیب به عنوان محافظه‌کاری پس رویدادی (بعد از دریافت خبر) و پیش رویدادی (قبل از دریافت خبر) طبقه‌بندی می‌کنند (Gassen, et al., 2006). محافظه‌کاری غیر شرطی در واقع کم‌نمایی پایدار خالص دارایی‌ها می‌باشد که مستقل از اخبار است. برای مثال شناسایی بدون درنگ مخارج تبلیغات و تحقیق و توسعه به عنوان هزینه به جای سرمایه‌ای کردن آن.

محافظه‌کاری شرطی نیز کم‌نمایی خالص دارایی‌هاست اما این کم‌نمایی ناشی از واکنش نامتقارن نسبت به اخبار خوب و بد می‌باشد. در این نوع محافظه‌کاری اخبار بد (زیان‌ها) سریع‌تر و کامل‌تر از اخبار خوب (سودها) شناسایی می‌شود. در محافظه‌کاری غیر شرطی اخبار بد قبل از وقوع پیش‌بینی می‌شود اما در محافظه‌کاری شرطی اخبار بد بعد از وقوع، زودتر از اخبار خوب شناسایی می‌شود. در واقع محافظه‌کاری شرطی وابسته به اخبار است. برای مثال کاربرد قاعده اقل بهای تمام‌شده یا ارزش بازار برای موجودی کالا. محافظه‌کاری مشروط برای اولین بار توسط باسو (Basu, 1997) به عنوان جنبه‌ای مهم از محافظه‌کاری مطرح شد. در این پژوهش سه نوع مدل برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی استفاده شده که عبارتند از:

1) معیار عدم تقارن زمانی سود: باسو (Basu, 1997) محافظه‌کاری را در نتیجه انعکاس سریع‌تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب در سود تفسیر کرد. این تفسیر، منجر به تفاوت سیستماتیک بین دوره‌های اخبار خوب و بد از لحاظ "به‌هنگامی" و "پایداری" سود می‌شود. باسو برای اندازه‌گیری اخبار از بازده‌های سهام استفاده کرد، زیرا بازده سهام اطلاعاتی را که بازار دریافت کرده، منعکس می‌سازد و این اطلاعات نه تنها از محل سود حسابداری، بلکه از منابع مختلفی تأمین می‌شود. باسو با استفاده از رگرسیون بین سود و بازده سهام دریافت که پاسخ سود نسبت به بازده منفی (اخبار بد) به‌هنگام‌تر از پاسخ سود نسبت به بازده مثبت (اخبار خوب) است. باسو برای آزمون پیش‌بینی‌های خود از جنبه‌به-هنگامی از رگرسیون مقطعی زیر استفاده کرد.

$$E_{it} / P_{it-1} = b_0 + b_1 DR_{it} + b_2 R_{it} + b_3 (R_{it} * DR_{it}) + e_{it}$$

E = سود هر سهم که بر اساس قیمت هر سهم در ابتدای دوره مالی تعدیل می‌شود.

$R =$ بازده سهام که برابر است با تفاوت قیمت سهم در ابتدا و انتهای دوره مورد نظر بعلاوه تعدیلات ناشی از عایدات سهام، تقسیم بر قیمت سهم در ابتدای دوره و $DR =$ متغیر مجازی که اگر بازده سالانه منفی باشد مقدار آن برابر یک و در غیر این صورت مقدار صفر منظور می‌شود. b_2 واکنش سود نسبت به بازده‌های منفی (اخبار بد) و $b_2 + b_3$ پاسخ سود نسبت به بازده‌های مثبت (اخبار خوب) را اندازه‌گیری می‌کند. محافظه‌کاری بیانگر آن است که $b_2 + b_3 > b_2$ باشد، b_3 میزان عدم تقارن زمانی سود نسبت به این دو نوع بازده را اندازه‌گیری می‌کند و باسو آن را به عنوان معیار اندازه‌گیری محافظه‌کاری معرفی کرد که بعداً به عنوان معیاری برای محافظه‌کاری شرطی به کار گرفته شد. (2) معیار عدم تقارن پایداری سود: باسو (Basu, 1997) برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از جنبه پایداری این طور استدلال می‌کند که احتمال تکرار تغییرات مثبت سود برای دوره‌های آتی بیشتر از احتمال تکرار تغییرات منفی سود می‌باشد. زیرا به کارگیری رویه‌های حسابداری محافظه کارانه سبب می‌گردد تا شناسایی زیان‌ها به سرعت و در دوره جاری صورت گیرد ولی شناسایی و انعکاس سودهای احتمالی به تدریج و طی چند دوره انجام می‌شود. باسو برای آزمون پیش‌بینی‌های خود از جنبه پایداری از مدل رگرسیون مقطعی زیر استفاده کرد:

$$\Delta NI_{it} = a_0 + a_1 \Delta NI_{it-1} + a_2 DN_{it-1} + a_3 (DN_{it-1} * \Delta NI_{it-1}) + e_{it-1}$$

$\Delta NI =$ تغییرات در سود خالص قبل از ارقام غیر مترقبه و $DN =$ متغیر مجازی که اگر ΔNI_{t-1} منفی باشد مقدار 1 و در غیر این صورت مقدار صفر را به خود می‌گیرد.

a_3 میزان محافظه‌کاری را اندازه‌گیری می‌کند و انتظار می‌رود منفی باشد زیرا اگر تغییرات سود سال گذشته منفی باشد انتظار نداریم که این تغییرات برای امسال نیز تکرار شود و بایستی تغییرات مثبت باشد؛ یعنی رابطه بین این دو متغیر در دوره‌های اخبار بد منفی است.

(3) معیار عدم تقارن در رابطه ارقام تعهدی و جریان نقد عملیاتی: برای پیش‌بینی میزان محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های خصوصی نمی‌توان از معیار باسو استفاده کرد، به خاطر اینکه این شرکت‌ها قیمت سهام ثبت شده ندارند. برای غلبه بر این مشکل بال و همکاران (Ball, et al., 2005) این معیار را به عنوان ورژنی از معیار عدم تقارن زمانی باسو که متکی به قیمت سهام نمی‌باشد، توسعه دادند. آنها با استفاده از رابطه رگرسیونی زیر بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی، دریافتند که ارقام تعهدی منفی به احتمال زیاد در دوره‌هایی که جریان‌های نقدی منفی وجود دارد، اتفاق می‌افتند یا به عبارتی، در صورت وجود زیان‌های عملیاتی ارتباط ارقام تعهدی و جریان‌های نقد مثبت است

(برخلاف ارتباط بین اقلام تعهدی و جریان نقدی مثبت) و این معیاری از رفتار محافظه کارانه می‌باشد.

$$ACC_{it} = b_0 + b_1 DC_{it} + b_2 \Delta CFO_{it} + b_3 (DC_{it} * \Delta CFO_{it}) + e_{it}$$

ACC = اقلام تعهدی کل که برابر است با سود خالص بعلاوه استهلاک منهای جریان نقد عملیاتی
 ΔCFO = تغییرات جریان نقد عملیاتی و DC = متغیر مجازی است که در صورت منفی بودن ΔCFO
 برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر می‌باشد.

محافظه‌کاری به این معنی است که در هنگام وجود جریان‌های نقدی منفی، اقلام تعهدی نیز به دلیل شناسایی سریعتر زیان‌های تحقق نیافته، با احتمال بیشتری منفی هستند، در حالی که این رابطه در هنگام وجود جریان‌های نقدی مثبت وجود ندارد. هر چه b_3 بزرگتر باشد، رفتار نامتقارن در قبال سود و زیان‌های اقتصادی (اخبار خوب و بد) بیشتر و در نتیجه محافظه‌کاری بیشتر خواهد بود. در همه مدل‌هایی که برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی ارائه شده، یک متغیر مجازی برای تمایز قائل شدن بین شرکت‌هایی که اخبار خوب و بد را تجربه می‌کنند وجود دارد.

گوی (Guay, 2008) بیان می‌کند که «اگر چه همه شرکت‌های سهامی آمریکا از اصول پذیرفته شده عمومی حسابداری پیروی می‌کنند، اما درجه یکسانی از محافظه‌کاری در گزارشگری مالی شان ارائه نمی‌کنند». این تفاوت مقطعی در محافظه‌کاری شرطی ناشی از تفاوت در تقاضای طرفین قراردادی مختلف می‌باشد. واتر (Wats, 2003) تحت تبیین قراردادی استدلال می‌کند که حسابداری محافظه-کارانه ابزاری برای روبرو شدن با مسائل و خطرات اخلاقی ناشی از حضور و مشارکت ذینفعان مختلف در واحد تجاری است، ذینفعانی که هر یک اطلاعات، حقوق و مزایا، توانایی‌ها، مطلوبیت‌ها و تعهدات متفاوتی با یکدیگر دارند. واتر با مدنظر قرار دادن تئوری نمایندگی ابراز می‌دارد، محافظه-کاری ابزاری است که می‌تواند به وسیله کاهش هزینه‌های نمایندگی، باعث کارا تر شدن قراردادهای بدهی شود (Grace Lee, 2009).

باسو (Basu, 1997) استدلال می‌کند که هر دو نوع محافظه‌کاری منجر به کاهش در ارزش حقوق صاحبان سهام و سود می‌شود، در حالی که تنها محافظه‌کاری شرطی به قراردادهای مربوط می‌باشد، زیرا اطلاعات جدیدی را برای طرف‌های خارجی فراهم می‌کند (باشناسایی به موقع اخبار بد). محافظه-کاری غیرشرطی حتی می‌تواند کارایی قراردادهای را کاهش دهد؛ زمانی که میزان آن نامعلوم (مبهم) است و منجر به ابهام درباره عملکرد شرکت می‌شود (Roslinda, 2009).

بال و همکاران (Ball et al., 2008) به بررسی رابطه بین ساختار سرمایه و محافظه کاری شرطی در سطحی بین المللی می پردازد و شواهدی فراهم می کند که بازار بدهی منبع مهمی از تقاضا برای محافظه کاری شرطی است. او عنوان می کند که این ارتباط مثبت مطابق با تبیین قراردادی است که واتر مطرح کرده است (Grace Lee, 2009).

زمانی که یک شرکت قرض می گیرد، علاوه بر اینکه بایستی در مورد مقدار بدهی تصمیم بگیرد، باید در مورد نوع بدهی نیز تصمیم گیری کند. تفاوت در نوع (ویژگی) بدهی منجر به تفاوت مقطعی در هزینه های نمایندگی و نهایتاً تفاوت در تقاضا برای محافظه کاری شرطی می شود. بنابراین در بررسی رابطه بین قراردادهای بدهی و محافظه کاری بایستی نوع بدهی را نیز مد نظر قرارداد. یکی از این ویژگی ها، سررسید بدهی هاست. لی این گونه بیان می کند که اگر استفاده از بدهی کوتاه مدت هزینه های نمایندگی کل را کاهش (افزایش) دهد، شرکت هایی که از بدهی های بلندمدت بیشتری نسبت به بدهی های کوتاه مدت استفاده می کنند، محافظه کاری شرطی بیشتری (کمتری) دارند (Ibid, 2009).

پیشینه پژوهش

احمد و همکاران (Ahmed, et al., 2002) در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا محافظه کاری تضاد بین صاحبان بدهی و سهامداران بر روی سیاست تقسیم را کاهش می دهد؟ آنها از اهرم به عنوان شاخصی برای این تضاد استفاده کردند و دریافتند که اهرم به طور قابل توجهی مرتبط با محافظه کاری است. آنها هم چنین دریافتند شرکت هایی با گزارش های مالی محافظه کارانه تر هزینه بدهی پایین تری را تجربه می کنند. کیانگ (Qiang, 2007) در پژوهشی با عنوان «اثرات قراردادهای، دعاوی حقوقی و هزینه های مالیات بر محافظه کاری شرطی و غیر شرطی: شواهدی مقطعی در سطح شرکت» به این نتایج رسیدند که تبیین قراردادی مرتبط با محافظه کاری شرطی، تبیین دعاوی حقوقی مرتبط با هر دو نوع محافظه کاری، تبیین قوانین و مقررات مرتبط با محافظه کاری غیر شرطی و تبیین مالیات مرتبط با محافظه کاری غیر شرطی است. این نتایج نشان می دهد همان طور که این دو نوع محافظه کاری نقش های مجزا در قراردادهای، قوانین و مقررات و مالیات دارند، هم زمان دارای نقش مشترک در دعاوی حقوقی می باشند. بتی و همکاران (Betty, et al., 2008) شروط محافظه کارانه گنجانده شده در قراردادهای بدهی را مورد بررسی قرار داده و بیان کردند، هنگامی که هزینه های نمایندگی بدهی بالاتر است این شروط قراردادی بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند. با این حال شواهد ایشان بیان گر این بود که شروط قراردادی، تقاضای اعتباردهندگان برای محافظه کاری را به تنهایی

برآورده نمی‌سازد و بنابراین برای کاهش هزینه‌های نمایندگی بدهی نیاز به استفاده از حسابداری محافظه‌کارانه نیز وجود دارد. ژانگ (Zhang, 2008) در پژوهشی در رابطه با منافع قراردادی محافظه-کاری حسابداری برای وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان به این نتیجه رسید که منافع محافظه‌کاری برای وام‌دهندگان کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی و برای وام‌گیرندگان کاهش نرخ بهره (هزینه بدهی) می‌باشد. بال و همکاران (Ball, et al., 2008) در سطح بین‌المللی به بررسی این موضوع پرداختند که کدام یک از بازارهای بدهی یا سهام تأثیر عمده‌ای روی تشخیص به موقع زیان‌ها (محافظه‌کاری) دارند؟ آنها دریافتند که بازار بدهی مهم‌ترین عامل تقاضا برای محافظه‌کاری شرطی می‌باشد. گریس لی (Grace Lee, 2009) در پژوهشی با عنوان "محافظه‌کاری شرطی، هزینه‌های نمایندگی، ویژگی‌های قراردادی بدهی‌ها" دریافت که اولاً بین اهرم مالی و محافظه‌کاری شرطی رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود داشته و ثانیاً ویژگی‌های قراردادی بدهی‌ها، از طریق تغییر هزینه‌های نمایندگی و انگیزه‌های ارزیابی، بر سطح محافظه‌کاری شرطی تأثیر دارد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به خصوصی یا عمومی بودن، سررسید، قابلیت تبدیل، اولویت‌دار بودن، وثیقه‌دار بودن بدهی‌ها اشاره کرد. وی دریافت شرکت‌هایی با سطوح بزرگتر از بدهی عمومی، کوتاه مدت، تبعی (در اولویت دوم)، بدون وثیقه، تشخیص به موقع تری از زیان‌ها (محافظه‌کاری شرطی) فراهم می‌کنند و بعد از کنترل اعمال تبدیل، شرکت‌هایی با سطوح بزرگ‌تری از بدهی قابل تبدیل محافظه‌کاری کمتری فراهم می‌کنند. گارسیا و همکاران (Garcia, et al., 2009) در پژوهشی به بررسی تعیین‌کننده‌های اقتصادی محافظه‌کاری شرطی پرداخته و دریافتند که مطابق با پژوهش‌های گذشته تبیین قراردادی منجر به محافظه‌کاری شرطی می‌شود. رحمانی و همکاران (1388) در پژوهشی با عنوان مالکیت عمومی در بازار سرمایه و محافظه‌کاری در گزارش‌گری مالی نشان دادند در بازار سرمایه ایران محافظه‌کاری (شرطی و قطعی) در گزارش‌گری مالی شرکت‌ها پس از درج نام آن‌ها در فهرست نرخ-های بورس افزایش نیافته است. این یافته با فرضیه تقاضا برای گزارش‌گری مالی با کیفیت‌تر توسط شرکت‌های بورسی سازگار نمی‌باشد. اعتمادی و همکاران (1389) به این نتیجه رسیدند که محافظه-کاری حسابداری با نسبت‌های حقوق صاحبان سهام و بدهی‌های بلندمدت و سود هر سهم به کل دارایی‌های اول دوره، رابطه مستقیم و با نسبت هزینه‌های مالی به دارایی‌های اول دوره رابطه معکوس دارد. مهرانی و همکاران (1389) به بررسی رابطه‌ی اندازه شرکت و قراردادهای بدهی با محافظه‌کاری در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاکی از آن است که رابطه مثبت معناداری بین بدهی و محافظه‌کاری در دو معیار مبتنی بر اقلام تعهدی و مبتنی بر ارزش بازار وجود دارد. همچنین، رابطه

منفی اندازه شرکت و محافظه کاری تنها در معیار مبتنی بر ارزش بازار مورد تأیید قرار گرفت، بنابراین در کل نمی توان استنباط کرد که بین اندازه شرکت و محافظه کاری رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: نسبت کل بدهی به کل دارایی ها بر روی محافظه کاری شرطی تأثیر دارد.
فرضیه دوم: نسبت بدهی بلندمدت به کل بدهی ها بر روی محافظه کاری شرطی تأثیر دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از شاخه تحقیقات علی است که با استفاده از مدل های رگرسیون چند متغیره ترکیبی به بررسی رابطه علی بین متغیرهای مورد نظر می پردازیم و از آماره های F و t به ترتیب برای آزمون های مربوط به اعتبار مدل ها و ضرایب آنها استفاده می کنیم. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و تعداد 81 شرکت در دوره زمانی 1387-1381 بعد از اعمال شرایطی به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است و تعداد مشاهدات 567 سال- شرکت می باشد.

روش آزمون فرضیه ها

برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل های رگرسیون خطی چند متغیره ترکیبی که مبتنی بر مقاله گریس لی (Grace Lee, 2009) می باشد استفاده می کنیم، که به سه گروه تقسیم می شود:

1. مدل مبتنی بر رابطه سود-بازده:

این مدل برگرفته از مدل عدم تقارن زمانی سود باسو می باشد. در این مدل همانند روش باسو (Basu, 1997) برای اندازه گیری بازده، که به صورت ترکیب (جمع) بازده های ماهانه محاسبه می شود، سه حالت بازده سال مالی، بازده دوره اعلام سود و بازده دوره اعلام سود تعدیل شده بر اساس بازده بازار (که برابر با میانگین بازده سهام های موجود در بازار می باشد) در نظر گرفته شده است.

در حالت اول بازده سهام بر اساس تاریخ سال مالی محاسبه می شود ($x_{1/1/1}$ تا $x_{1/12/29}$)، در این حالت بازده در بردارنده اطلاعاتی به غیر از سود سال جاری است. در حالت دوم، بازده به صورت 12 ماهه منتهی به پایان تیر ماه که آخرین مهلت شرکت ها برای ارائه صورت های مالی حسابرسی شده

می‌باشد، محاسبه می‌شود ($x1/5/1$ تا $x2/5/1$). در این حالت بازده دربردارنده واکنش بازار به اعلام سود سال جاری می‌باشد. بازده حالت سوم برابر است با بازده حالت دوم منهای بازده بازار که از میانگین بازده‌های کل سهام‌های موجود در بازار به دست می‌آید. در این حالت علاوه بر تعدیل بازده، سود هر سهم¹ بر اساس میانگین سود هر سهم کل شرکت‌های نمونه تعدیل می‌شود و این حالت برای کنترل بی‌ثباتی مربوط به دوره‌های زمانی² محاسبه سود و بازده در نظر گرفته شده است. برای آزمون فرضیه اول از مدل رگرسیون 1 استفاده می‌کنیم (مدل 1).

$$\begin{aligned} EPS_{it} = & a_0 + a_1 DR_{it} + a_2 RET_{it} + a_3 DR_{it} * RET_{it} \\ & + a_4 LEV_{it} + a_5 DR_{it} * LEV_{it} + a_6 RET_{it} * LEV_{it} + a_7 DR_{it} * RET_{it} * LEV_{it} \\ & + a_8 BTM_{it} + a_9 DR_{it} * BTM_{it} + a_{10} RET_{it} * BTM_{it} + a_{11} DR_{it} * RET_{it} * BTM_{it} \\ & + a_{12} SIZE_{it} + a_{13} DR_{it} * SIZE_{it} + a_{14} RET_{it} * SIZE_{it} + a_{15} DR_{it} * RET_{it} * SIZE_{it} + e_{it} \end{aligned}$$

در این مدل از متغیر نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام³ و اندازه شرکت⁴ به عنوان متغیرهای کنترل استفاده می‌کنیم. ما انتظار داریم α_7 ، که بیانگر تأثیر اهرم بر روی محافظه‌کاری شرطی است، مثبت باشد، یعنی با افزایش اهرم (نسبت بدهی به دارایی) محافظه‌کاری شرطی نیز افزایش یابد.

برای آزمون فرضیه دوم، مدل رگرسیون 2 را به کار می‌بریم که همان مدل 1 می‌باشد با این تفاوت که متغیر مربوط به بدهی‌های بلندمدت به آن اضافه می‌شود. در این حالت علاوه بر دو متغیر قبلی، اهرم (LEV) نیز به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است (مدل 2).

$$\begin{aligned} EPS_{it} = & a_0 + a_1 DR_{it} + a_2 RET_{it} + a_3 DR_{it} * RET_{it} \\ & + a_4 LTD_{it} + a_5 DR_{it} * LTD_{it} + a_6 DR_{it} * RET_{it} * LTD_{it} + a_7 DR_{it} * RET_{it} * LTD_{it} \\ & + a_8 LEV_{it} + a_9 DR_{it} * LEV_{it} + a_{10} RET_{it} * LEV_{it} + a_{11} DR_{it} * RET_{it} * LEV_{it} \\ & + a_{12} BTM_{it} + a_{13} DR_{it} * BTM_{it} + a_{14} RET_{it} * BTM_{it} + a_{15} DR_{it} * RET_{it} * BTM_{it} \\ & + a_{16} SIZE_{it} + a_{17} DR_{it} * SIZE_{it} + a_{18} RET_{it} * SIZE_{it} + a_{19} DR_{it} * RET_{it} * SIZE_{it} + e_{it} \end{aligned}$$

1. Earnings Per Share (EPS)

2. Time - Series Non - Stationarity

3. Book Value to Market Value (BTM)

4. Size

از ضریب α_7 برای بررسی تأثیر ویژگی بلندمدت بودن بدهی بر روی محافظه کاری شرطی استفاده می‌کنیم. طبق نظر گریس لی (Grace Lee, 2009) شرکت‌هایی با بدهی‌های بلند مدت بیشتر، محافظه کاری بزرگتر (کمتر) دارند، اگر استفاده بیشتر از بدهی‌های کوتاه مدت هزینه‌های نمایندگی کل را کاهش (افزایش) دهد. بنابراین اگر ضریب مربوط به بدهی‌های بلندمدت به طور معناداری مثبت (منفی) باشد، نتیجه می‌گیریم که استفاده از بدهی‌های بلندمدت هزینه‌های نمایندگی کل را افزایش (کاهش) می‌دهد و در نتیجه تقاضا برای محافظه کاری شرطی افزایش (کاهش) می‌یابد.

2. مدل مبتنی بر تغییرات سود دو سال متوالی:

این مدل مبتنی بر مدل عدم تقارن پایداری تغییرات سود می‌باشد و برای آزمون فرضیه اول از مدل رگرسیون 3 استفاده می‌کنیم (مدل 3):

$$\Delta NI_{it} = a_0 + a_1 DN_{it-1} + a_2 \Delta NI_{it-1} + a_3 DN_{it-1} * \Delta NI_{it-1} + a_4 LEV_{it-1} + a_5 DN_{it-1} * LEV_{it-1} + a_6 \Delta NI_{it-1} * LEV_{it-1} + a_7 DN_{it-1} * \Delta NI_{it-1} * LEV_{it-1} + e_{it-1}$$

برخلاف مدل قبلی انتظار می‌رود α_7 ، به طور معناداری منفی باشد، که بیانگر تأثیر مثبت اهرم بر روی محافظه کاری شرطی است.

برای آزمون فرضیه دوم طبق مدل 4 عمل می‌کنیم. اگر α_7 در این مدل منفی (مثبت) باشد، بیانگر تأثیر مثبت (منفی) بدهی‌های بلندمدت بر روی محافظه کاری شرطی است (مدل 4).

$$\Delta NI_{it} = a_0 + a_1 DN_{it-1} + a_2 \Delta NI_{it-1} + a_3 DN_{it-1} * \Delta NI_{it-1} + a_4 LTD_{it-1} + a_5 DN_{it-1} * LTD_{it-1} + a_6 \Delta NI_{it-1} * LTD_{it-1} + a_7 DN_{it-1} * \Delta NI_{it-1} * LTD_{it-1} + e_{it-1}$$

3. مدل مبتنی بر رابطه ارقام تعهدی - جریان نقد عملیاتی:

این مدل مبتنی بر مدل بال و شیواکومار (2005) است و برای آزمون فرضیه اول از مدل 5 و برای فرضیه دوم از مدل 6 استفاده می‌کنیم:

$$ACC_{it} = a_0 + a_1 DC_{it} + a_2 \Delta CFO_{it} + a_3 DC_{it} * \Delta CFO_{it} + a_4 LEV_{it} + a_5 DC_{it} * LEV_{it} + a_6 \Delta CFO_{it} * LEV_{it} + a_7 DC_{it} * \Delta CFO_{it} * LEV_{it} + e_{it}$$

$$ACC_{it} = a_0 + a_1DC + a_2\Delta CFO_{it} + a_3DC * \Delta CFO_{it} + a_4LTD_{it} + a_5DC * LTD_{it} + a_6\Delta CFO_{it} * LTD_{it} + a_7DC * \Delta CFO_{it} * LTD_{it} + e_{it}$$

در مدل 5 انتظار می‌رود α_7 مثبت باشد که بیانگر تأثیر مثبت اهرم بر روی محافظه کاری شرطی باشد. در مدل رگرسیون 6، مطابق با توضیحاتی که در مدل مبتنی بر رابطه سود - بازده اشاره شد، با توجه به تأثیر بدهی‌های کوتاه مدت بر روی هزینه‌های نمایندگی، رابطه بین نسبت بدهی‌های بلندمدت و محافظه کاری شرطی تفسیر می‌شود. جمع‌آوری داده‌های لازم برای پژوهش از طریق نرم افزار رهاورد نوین و برای برآورد مدل‌ها از نرم افزار SPSS16 استفاده شده است. متغیرهای مورد استفاده در مدل‌های فوق در جدول زیر تعریف شده است:

جدول (1): تعریف متغیرهای مورد استفاده در مدل‌ها

EPS: سود هر سهم که بر اساس قیمت سهم در ابتدای دوره تعدیل می‌شود.
RET: بازده سال مالی سهام
DR: متغیر مجازی که اگر بازده سهام منفی باشد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است.
LEV: نسبت بدهی به ارزش دفتری دارایی‌ها
BTM: نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام
SIZE: لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها
LTD: نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل بدهی‌ها
ACC: اقلام تعهدی که برابر است با سود خالص منهای جریان نقد عملیاتی به علاوه هزینه استهلاک.
ΔNI : تغییرات سود خالص
ΔCFO : تغییرات جریان نقد عملیاتی، که بر اساس ارزش دفتری دارایی‌ها در ابتدای دوره تعدیل می‌شوند.
DC و DN: متغیرهای مجازی هستند که به ترتیب اگر ΔNI_{t-1} و ΔCFO_t منفی باشد 1 و در غیر این صورت صفر می‌باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

نتایج آزمون فرضیه‌ها بر اساس مدل مبتنی بر رابطه سود - بازده:

جدول 2 نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول را نشان می‌دهد. لازم به توضیح است که به جای نسبت کل بدهی به دارایی‌ها از واژه اهرم در بیان نتایج استفاده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که: در حالت اول: بازده سال مالی، اهرم بر محافظه کاری شرطی تأثیر ندارد ($t = -1.136$, $sig = 0.256$) در حالت دوم: بازده دوره اعلام سود، اهرم بر محافظه کاری شرطی تأثیر ندارد ($t = 0.896$, $sig = 0.371$) در حالت سوم: بازده تعدیل شده، اهرم بر روی محافظه کاری شرطی تأثیر مثبت دارد ($t = 2.185$, $sig = 0.029$).

جدول (2): آزمون فرضیه اول بر اساس مدل مبتنی بر رابطه سود و بازده

متغیرها	بازده سال مالی		بازده دوره اعلام سود		بازده تعدیل شده	
	ضرایب	آماره t	ضرایب	آماره t	ضرایب	آماره t
α_0	0.000	-0.003	0.091	1.065	0.041	-0.482
$\alpha_1(\text{DR})$	0.007	0.135	-0.026	-0.487	-0.063	-1.110
$\alpha_2(\text{RET})$	0.461	9.447	0.298	5.998	0.276	5.128
$\alpha_3(\text{DR}*\text{RET})$	-0.205	-3.500	0.028	0.666	0.035	0.828
$\alpha_4(\text{LEV})$	-0.035	-0.940	-0.063	-1.551	-0.018	-0.445
$\alpha_5(\text{DR}*\text{LEV})$	-0.040	-0.798	-0.113	*-2.075	0.015	0.241
$\alpha_6(\text{RET}*\text{LEV})$	0.050	0.905	-0.068	-1.145	0.007	0.111
$\alpha_7(\text{DR}*\text{RET}*\text{LEV})$	-0.046	-1.136	0.037	0.896	0.093	2.185
$\alpha_8(\text{BTM})$	0.190	4.725	0.102	2.444	0.059	1.434
$\alpha_9(\text{DR}*\text{BTM})$	-0.003	-0.045	-0.037	-0.705	-0.097	-1.743
$\alpha_{10}(\text{RET}*\text{BTM})$	0.311	3.895	0.030	0.528	-0.034	-0.576
$\alpha_{11}(\text{DR}*\text{RET}*\text{BTM})$	-0.102	-2.618	0.001	0.025	0.020	0.482
$\alpha_{12}(\text{SIZE})$	0.073	1.909	0.063	1.533	0.029	0.699
$\alpha_{13}(\text{DR}*\text{SIZE})$	0.006	-0.122	-0.045	-0.877	-0.006	-0.099
$\alpha_{14}(\text{RET}*\text{SIZE})$	0.058	1.085	-0.039	-0.694	-0.029	-0.462
$\alpha_{15}(\text{DR}*\text{RET}*\text{SIZE})$	-0.007	-0.180	-0.007	-0.157	0.062	1.453
ضریب تعیین تعدیل شده	23.9%		9.6%		9.8%	
آماره دوربین واتسون	2.201		2.107		2.134	
آماره F	12.881		5.002		5.116	
سطح معنی داری F	0		0		0	
شاخص وضعیت	27.207		26.732		27.09	
میانگین خطاها	0		0		0	
انحراف معیار خطاها	0.987		0.987		0.987	

• متغیر وابسته EPS/P •• اعداد پررنگ با سطح اطمینان بیش از 90%

جدول 3 نتایج مربوط به آزمون فرضیه دوم را نشان می دهد. در حالت اول: بازده سال مالی، نسبت بدهی بلند مدت به کل بدهی بر محافظه کاری شرطی تأثیر ندارد ($t=0.990$, $\text{sig}=0.323$) حالت دوم: بازده دوره اعلام سود، نسبت بدهی بلندمدت به کل بدهی بر محافظه کاری شرطی تأثیر ندارد ($t=0.306$, $\text{sig}=0.760$) حالت سوم: بازده تعدیل شده، نسبت بدهی بلندمدت به کل بدهی بر محافظه کاری شرطی تأثیر ندارد ($t=0.567$, $\text{sig}=0.571$).

جدول (3): آزمون فرضیه دوم بر اساس مدل مبتنی بر رابطه سود- بازده

متغیرها	بازده سال مالی		بازده دوره اعلام سود		بازده تعدیل شده	
	ضرایب	آماره t	ضرایب	آماره t	ضرایب	آماره t
α_0	0.033	0.411	0.116	1.367	-0.021	-0.247
$\alpha_1(\text{DR})$	0.001	0.026	-0.040	-0.747	-0.073	-1.282
$\alpha_2(\text{RET})$	0.443	9.060	0.276	5.541	0.253	4.703
$\alpha_3(\text{DR*RET})$	-0.204	-3.486	0.043	1.016	0.059	1.313
$\alpha_4(\text{LTD})$	-0.099	-2.641	-0.104	-2.539	-0.107	-2.611
$\alpha_5(\text{DR*LTD})$	-0.003	-0.055	-0.019	-0.345	-0.025	-0.420
$\alpha_6(\text{RET*LTD})$	-0.075	-1.472	-0.134	-2.262	-0.128	-2.029
$\alpha_7(\text{DR*RET*LTD})$	0.040	0.99	0.013	0.306	0.023	0.567
$\alpha_8(\text{LEV})$	-0.052	-1.371	-0.079	-1.932	-0.034	-0.842
$\alpha_9(\text{DR*LEV})$	-0.036	-0.719	-0.112	-2.055	0.002	0.039
$\alpha_{10}(\text{RET*LEV})$	0.046	0.820	-0.082	-1.370	-0.011	-0.159
$\alpha_{11}(\text{DR*RET*LEV})$	-0.036	-0.833	0.038	0.933	0.096	2.259
$\alpha_{12}(\text{BTM})$	0.180	4.476	0.092	2.226	0.049	1.188
$\alpha_{13}(\text{DR*BTM})$	0.010	0.168	-0.022	-0.417	-0.075	-1.333
$\alpha_{14}(\text{RET*BTM})$	0.316	3.968	0.053	0.945	-0.011	-0.183
$\alpha_{15}(\text{DR*RET*BTM})$	-0.109	-2.794	-0.008	-0.177	0.005	0.114
$\alpha_{16}(\text{SIZE})$	0.078	2.052	0.073	1.785	0.041	1.009
$\alpha_{17}(\text{DR*SIZE})$	-0.018	-0.364	-0.046	-0.913	-0.015	-0.276
$\alpha_{18}(\text{RET*SIZE})$	0.037	0.674	-0.037	-0.664	-0.034	-0.538
$\alpha_{19}(\text{DR*RET*SIZE})$	-0.003	-0.078	-0.002	-0.036	0.064	1.527
ضریب تعیین تعدیل شده	25%		11.4%		11.5% 2.155	
آماره دوربین واتسون	2.22		2.136		4.857	
آماره F	10.917		4.838		0	
سطح معنی داری F	0		0		28.817	
شاخص وضعیت	28.971		28.4997		0	
میانگین خطاها	0		0		0.983	
انحراف معیار خطاها	0.983		0.983			

نتایج آزمون فرضیه‌ها بر اساس مدل مبتنی بر تغییرات سود دو سال متوالی:

جدول 4 و 5 به ترتیب نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های اول و دوم را بر اساس مدل فوق نشان می‌دهد. طبق جدول 4 اهرم بر محافظه کاری شرطی تأثیر ندارد ($t = -1.281$, $\text{sig} = 0.201$) و طبق جدول 5 نسبت بدهی‌های بلندمدت بر محافظه کاری شرطی تأثیر ندارد ($t = 1.118$, $\text{sig} = 0.264$).

جدول (4): آزمون فرضیه اول بر اساس مدل تغییرات سود

متغیرها	ضرایب	آماره t
α_0	0.036	-1.605
$\alpha_1(DN)$	0.032	0.649
$\alpha_2(\Delta NI_{it-1})$	0.137	2.817
$\alpha_3(DN * \Delta NI_{it-1})$	0.022	0.542
$\alpha_4(LEV_{it-1})$	0.111	2.716
$\alpha_5(DN * LEV_{it-1})$	0.047	1.029
$\alpha_6(\Delta NI_{it-1} * LEV_{it-1})$	0.283	6.223
$\alpha_7(DN * \Delta NI_{it-1} * LEV_{it-1})$	-0.051	-1.281
ضریب تعیین تعدیل شده	8.6%	
آماره دورین واتسون	1.665	
آماره F	8.589	
سطح معنی داری F	0	
شاخص وضعیت	11.239	
میانگین خطاها	0	
انحراف معیار خطاها	0.994	

متغیر وابسته: ΔNI

جدول (5): آزمون فرضیه دوم بر اساس مدل تغییرات سود

متغیرها	ضرایب	آماره t
α_0	0.024	2.99
$\alpha_1(DN)$	0.04	0.8
$\alpha_2(\Delta NI_{it-1})$	0.131	2.658
$\alpha_3(DN * \Delta NI_{it-1})$	0.024	0.566
$\alpha_4(LTD_{it-1})$	-0.017	-0.416
$\alpha_5(DN * LTD_{it-1})$	-0.075	-1.64
$\alpha_6(\Delta NI_{it-1} * LTD_{it-1})$	-0.252	-5.469
$\alpha_7(DN * \Delta NI_{it-1} * LTD_{it-1})$	0.046	1.118
ضریب تعیین تعدیل شده	5.5%	
آماره دورین واتسون	1.661	
آماره F	5.67	
سطح معنی داری F	0	
شاخص وضعیت	3.468	
میانگین خطاها	0	
انحراف معیار خطاها	0.994	

نتایج آزمون فرضیه‌ها بر اساس مدل مبتنی بر رابطه اقلام تعهدی - جریان نقد:

جدول 6 و 7 به ترتیب نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های اول و دوم را بر اساس این مدل نشان می‌دهد. طبق جدول 6 اهرم بر محافظه کاری شرطی تأثیر منفی دارد ($t = -3.686$, $sig = 0.000$) و طبق جدول 7 نسبت بدهی بلندمدت بر محافظه کاری شرطی تأثیر ندارد ($t = -0.266$, $sig = 0.790$).

جدول (7): آزمون فرضیه دوم بر اساس مدل مبتنی بر

رابطه اقلام تعهدی - جریان نقد عملیاتی

متغیرها	ضرایب	آماره t
α_0	0.085	7.917
$\alpha_1(DC)$	-0.055	-1.408
$\alpha_2(\Delta CFO)$	-0.709	-19.176
$\alpha_3(DC*\Delta CFO)$	0.141	4.623
$\alpha_4(LTD)$	-0.066	-2.179
$\alpha_5(DC*LTD)$	-0.085	-2.281
$\alpha_6(\Delta CFO*LTD)$	-0.010	-0.263
$\alpha_7(DC*\Delta CFO*LTD)$	-0.008	-0.266
ضریب تعیین تعدیل شده	%49.6	
آماره دورین واتسون	1.814	
آماره F	80.476	
سطح معنی داری F	0	
شاخص وضعیت	3.816	
میانگین خطاها	0	
انحراف معیار خطاها	0.994	

جدول (6): آزمون فرضیه اول بر اساس مدل مبتنی بر رابطه

اقلام تعهدی - جریان نقد عملیاتی

متغیرها	ضرایب	آماره t
α_0	0.108	3.8
$\alpha_1(DC)$	-0.006	-0.148
$\alpha_2(\Delta CFO)$	-0.696	18.848
$\alpha_3(DC*\Delta CFO)$	0.084	2.611
$\alpha_4(LEV)$	-0.048	-1.611
$\alpha_5(DC*LEV)$	0.103	2.988
$\alpha_6(\Delta CFO*LEV)$	0.118	2.958
$\alpha_7(DC*\Delta CFO*LEV)$	-0.109	-3.686
ضریب تعیین تعدیل شده	%51	
آماره دورین واتسون	1.836	
آماره F	85.014	
سطح معنی داری F	0	
شاخص وضعیت	11.068	
میانگین خطاها	0	
انحراف معیار خطاها	0.994	

متغیر وابسته: ACC

فرضیه اول به بررسی تأثیر نسبت کل بدهی ها به ارزش دفتری دارایی ها (اهرم) بر محافظه کاری شرطی می پردازد. در مدل مبتنی بر رابطه سود و بازده حالت های اول و دوم (بازده سال مالی، بازده دوره اعلام سود) اهرم بر محافظه کاری شرطی تأثیر ندارد ولی در حالت سوم (بازده تعدیل شده) تأثیر مثبت دارد. نتایج مربوط به حالت دوم مطابق با نتایج مهرانی و همکاران (1389) می باشد. در مدل مبتنی بر تغییرات سود بی تأثیر و در مدل مبتنی بر رابطه اقلام تعهدی - جریان نقد عملیاتی تأثیر منفی دارد. بنابراین با توجه به این نتایج نمی توان نتیجه گیری مشخصی داشت. نتایج این تحقیق مطابق با نتایج گریس لی (Grace Lee, 2009) نمی باشد، در تحقیق گریس لی در هر سه مدل اهرم بر روی محافظه کاری شرطی تأثیر مثبت دارد. این نتیجه احتمالاً به دلیل عدم هماهنگی معیارهای اندازه گیری محافظه کاری شرطی در بین شرکت های ایرانی می باشد، به ویژه به دلیل کارایی ضعیف بازار سرمایه ایران احتمالاً مدل باسو کارایی کافی را نداشته و باعث سوگیری نتایج شده است.

در فرضیه دوم تأثیر بدهی‌های بلندمدت را روی محافظه‌کاری شرطی بررسی کردیم. با توجه به نتایج بدست آمده در بخش تجربه و تحلیل، در هر سه مدل این فرضیه رد شد. در واقع می‌توان گفت: نسبت بدهی بلند مدت به کل بدهی‌ها (ویژگی مربوط به سرسید بدهی‌ها) بر روی محافظه‌کاری شرطی تأثیر ندارد که نشان دهنده عدم تأثیر با اهمیت اعتباردهندگان بر روی سیاست‌های انتخابی شرکت‌ها می‌باشد.

در بین سه مدل به کار رفته در این تحقیق، به دلیل بالاتر بودن ضریب تعیین تعدیل شده و معنی‌داری ضرایب بیشتری در آن، احتمالاً مدل بال و شیواکومار (Ball & Shivakumar, 2005) بهترین مدل برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی و موضوع تحقیق می‌باشد که مطابق با این مدل اهرم تأثیر منفی و نسبت بدهی بلندمدت به کل بدهی‌ها تأثیری بر محافظه‌کاری شرطی ندارد.

با استفاده از نتایج به دست آمده از این پژوهش در مورد تأثیر اهرم روی محافظه‌کاری شرطی نمی‌توان اظهار نظر صریح کرد. همچنین ویژگی مربوط به سرسید بدهی‌ها تأثیری بر محافظه‌کاری شرطی ندارد.



منابع و مأخذ:

1. اعتمادی، حسین، نوروش، ایرج، آذر، عادل و حسن سراجی. (1389). «طراحی و تبیین مدل پیش-بینی محافظه‌کاری حسابداری با تأکید بر ارتباط آن با میانگین موزون هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، تحقیقات حسابداری، شماره (5).
2. رحمانی، علی و غلامزاده لداری، مسعود. (1388)، «مالکیت عمومی در بازار سرمایه و محافظه‌کاری در گزارش‌گری مالی»، تحقیقات حسابداری، شماره چهارم، 112-129.
3. مشایخ، بیتا، محمدآبادی، مهدی و حصارزاده، رضا. (1388)، «تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر پایداری سود»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره (556).
4. مهرانی، ساسان و محمدآبادی، مهدی. (1388). "روش‌های اندازه‌گیری محافظه‌کاری"، مجله حسابداری، شماره (20).
5. مهرانی، کاوه، وافی ثانی، جلال و حلاج، محمد. (1389). «رابطه قراردادهای بدهی و اندازه شرکت با محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره (59).
6. Ahmed, A. S., Billing, B. K., Morton, R. M., Stanford-Harris, M. (2002). "The role of accounting conservatism in mitigating bondholder-shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs", *The Accounting Review*, Vol. 77.
7. Ball, R. & Shivakumar, L. (2005). "Earnings quality in U.K. private firms", *Journal of Accounting & Economics*, Vol. 39, 83-128.
8. Ball, R., Ashok R. & Sadka, G. (2008). "Is financial reporting shaped by equity markets or debt markets? An international study of timeliness and conservatism", *Review of Accounting Studies*, Vol. 13.
9. Basu, S. (1997). "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 24.
10. Beaver, W. and S. Ryan. (2004). "Conditional and Unconditional Conservatism: Concepts and Modeling", Working paper, Review of Accounting Studies Conference, September.
11. Betty, A., Weber, J. & Yu, J. (2008). "Conservatism and debt", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 45.
12. Financial Accounting Standards Board (FASB). (1980). "Statement of Financial Accounting Concepts no. 2, Qualitative Characteristics of Accounting Information". FASB, Norwalk, CT.
13. Gassen, J., Uwe F. R. & Sellhorn, T. (2006). "International Differences in Conditional Conservatism – The role of Unconditional Conservatism and Income Smoothing", *European Accounting Review*, Vol. 15.

14. García, L., Manuel, J., Garcia Osma, B. & Penalva, F. (2009). "The Economic Determinants of Conditional Conservatism", *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. 36.
15. Grace Lee, H. S. (2009). "Conditional Conservatism, Agency Costs, and the Contractual Features of Debt", working paper, University of Arizona, Eller College of Management.
16. Guay, W. (2008). "Conservative financial reporting, debt covenants, and the agency costs of debt", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 45, 175-180.
17. Pope, P. E. & Walker, M. (2003). "Ex-ante and ex-post accounting conservatism, asset recognition and asymmetric earnings timeliness", Working paper, Lancaster University/University of Manchester.
18. Qiang, X. (2007). "The Effects of Contracting, Litigation, Regulation, and Tax Costs on Conditional and Unconditional Conservatism: Cross-Sectional Evidence at the Firm Level", *The Accounting Review*, Vol. 82.
19. Roslinda. (2009). "The Relationship between Corporate Governance and Accounting Conservatism", Masters Thesis, The University of New South Wales.
20. Wats, R. L. (2003). "Conservatism in Accounting Part 1: Explanation and Accounting Horizons", Vol. 17, No. 3, 207-221.
21. Zhang, J. (2008). "The contracting benefits of accounting conservatism to lenders and borrowers", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 45.